## پلیس تهران به دنبال راز کشف قتل مرد کارخانه‌دار

■ جلال ستوده

**تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی تهران برای شناسایی و بازداشت عامل یا عاملان قتل مرد کارخانه‌دار جریان دارد.**

به گزارش «جوان»، ساعت ۴:۳۰ بامداد روز گذشته به قاضی موسی رضازاده، بازپرس ویژه قتل تهران گزارش یک قتل اعلام شد. بررسی‌های اولیه نشان داد، مقتول مردی ۵۳ ساله است که با ضربات چاقو هدف قرار گرفته و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده است. بنابراین بازپرس به همراه مأموران پلیس آگاهی در بیمارستان حاضر شد. تحقیقات بعدی بازپرس نشان داد رهگذرانی که در حال عبور از خیابان سپهبد قرنی بودند با دیدن پیکر نیمه‌جان مقتول، پلیس و امدادگران را از ماجرا باخبر کرده بودند. کارآگاهان در اولین گام با حضور در محل کشف جسد دوربین‌های مداربسته اطراف را بررسی کردند. آنها در جریان تحقیقات میدانی متوجه شدند صاحب یکی از کافی‌شاپ‌های محل مقتول را می‌شناسد. او گفت: مقتول از مشتریان کافی‌شاپ من بود. او مردی پولدار و صاحب یک کارخانه بود که محل کارش همین حوالی است و گاهی برای خوردن قهوه به کافه‌ام می‌آمد. بعدی از به دست آمدن این سرنخ، مأموران در بررسی‌های بعدی خودروی هیوندایی کشف کردند که آثار خون روی آن دیده می‌شد. خیلی زود مشخص شد خودرو که یکی از چرخ‌هایش پنچر شده متعلق به مقتول است. همین‌طور معلوم شد خودرو به صورت عمد پنچر شده است و آثار خون داخل خودرو هم دیده می‌شود. بعد از به دست آمدن این سرنخ، بازپرس احتمال داد عامل یا عاملان حادثه بعد از پنچر کردن خودروی مقتول، او را تعقیب کرده و همزمان با توقف وی، مقتول را با ضربات چاقو هدف قرار داده‌اند. در شاخه دیگری از تحقیقات مشخص شد مقتول قبل از مرگش نام مردی به نام امیر را به زبان آورده است. بررسی‌های بعدی پلیس نشان داد امیر از دوستان مقتول و مثل او کارخانه‌دار است. وقتی مأموران با امیر تماس گرفتند، گفت که از ماجرای قتل خبر ندارد. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، بازپرس دستور داد خانواده مقتول شناسایی و برای تحقیق به دادسرا دعوت شوند. تحقیقات بیشتر در جریان است.

## خودکشی پس از قتل برادر بزرگ‌تر

**مرد میانسال پس از قتل برادرش در یکی از محله‌های پایتخت خودکشی کرد.**

صبح روز گذشته، قاضی شفیعی، بازپرس ویژه قتل تهران از حادثه خونین در یکی از محله‌های شهر با خبر و در محل حاضر شد. محل حادثه خانه‌ای دو طبقه قدیمی بود که در طبقه اول جسد دو برادر ۴۲ و ۴۷ ساله در حالی که با ضربات چاقو به کام مرگ رفته بودند، رها شده‌بود. بررسی‌های اولیه نشان داد برادر بزرگ‌تر با هفت ضربه چاقو به قتل رسیده‌است. تیم جنایی احتمال می‌دهد برادر کوچک بعد از قتل برادر بزرگ به زندگی خودش پایان داده‌است. گزارش پزشکی قانونی در محل هم نشان داد که از مرگ برادر بزرگ‌تر ۱۸ تا ۲۰ ساعت و از مرگ برادر کوچک هم ۱۲ ساعت می‌گذرد.

دختر خانواده که پلیس را از ماجرا با خبر کرده‌بود، گفت: اینجا خانه پدری‌مان است. دو برادر ۴۲ و ۴۷ ساله‌ام که هر دو طلاق گرفته‌اند، در طبقه اول و مادرمان هم که معلول است در طبقه دوم زندگی می‌کند. برادر بزرگم در املاک کار می‌کرد و برادر کوچکم هم شغل مناسبی نداشت. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی، تحقیقات در این‌باره جریان دارد.

## گروگانگیری ساختگی هرمی‌ها برای اخاذی از خانواده

**یکی از اعضای یک شرکت هرمی برای اخاذی از خانواده‌اش، سناریوی آدم‌ربایی ساختگی را طراحی و با همدستی دوستانش اجرا کرد.**

چند روز قبل زنی میانسال به پلیس تهران خبر داد پسر ۲۳ ساله‌اش گم شده است. او گفت: پسرم برای انجام کاری خانه را ترک کرده و دیگر برنگشته است. هرچه با گوشی‌اش تماس می‌گیرم، خاموش است و کسی هم از او خبری ندارد برای همین نگرانش هستم. بعد از مطرح شدن شکایت، تحقیقات در این باره به جریان افتاد. در حالی که بررسی‌ها جریان داشت، شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و گفت که پسرش در دام آدم‌ربایان گرفتار شده است. او گفت، آدم‌ربایان در قبال رهایی پسرش درخواست پول کرده‌اند. زن میانسال توضیح داد: امروز از شماره ناشناسی فیلمی برای من ارسال شد که در آن چند مرد خشن پسرم را با ضربات چوب کتک می‌زدند و در قبال رهایی او درخواست هزار دلار داشتند. بعد از به دست آمدن این سرنخ، مأموران با بررسی محتوای فیلم متوجه شدند که پسر جوان در دام اعضای یک شرکت هرمی گرفتار شده است. با کامل شدن بررسی‌ها، مأموران موفق شدند مخفیگاه متهمان را در غرب استان تهران شناسایی و متهمان را بازداشت و پسر گمشده را هم پیدا کنند. یکی از متهمان در جریان تحقیقات گفت که ماجرای گروگانگیری ساختگی است. بعد از آن بود که پسر گمشده مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: از مدتی قبل عضو شبکه هرمی شدم تا پولدار شوم برای این کار به مقداری پول نیاز داشتم برای همین تصمیم گرفتم از مادرم اخاذی کنم. برای این کار از دوستانم خواستم گروگانگیری ساختگی ایجاد و فیلم آن را برای مادرم ارسال کنند تا بتوانم از او هزار دلار بگیرم که دستم رو شد و گرفتار شدیم. تحقیقات در این باره جریان دارد.

# سرقت طلایی مستندساز از دختر معلول

■ غلامرضا مسکنی

**مرد مستندساز که متهم است با همدستی دوستش سناریوی سرقت طلاهای دختری معلول را طراحی و اجرا کرده بودند، بازداشت شد. متهم مدعی است برای تأمین هزینه آخرین فیلمش ناچار به سرقت شده‌است.**

اواخر آبان ماه امسال، به مأموران پلیس پایتخت خبر رسید سارقان به خانه‌ای در جنوب تهران دستبرد زده و طلاهای دختر معلولی را سرقت کرده و از محل گریخته‌اند. وقتی مأموران به محل حادثه رسیدند، دریافتند لحظاتی قبل زن و مرد نقابداری وارد طبقه اول ساختمان قدیمی می‌شوند و پس از بستن دست و پای دختر معلول او را به شدت کتک می‌زنند، سپس طلاهای او را سرقت می‌کنند و از محل می‌گریزند.

همچنین مشخص شد سارقان قصد سرقت از طبقه دوم این ساختمان را داشتند، اما موفق به سرقت نشدند.

خواهر دختر معلول که حادثه را به پلیس خبر داده‌بود، گفت: خواهرم همراه مادرم در طبقه اول ساختمان زندگی می‌کنند. من و شوهرم در طبقه دوم زندگی می‌کنیم. ما بیرون از خانه بودیم و لحظاتی قبل وقتی وارد ساختمان محل زندگیمان شدیم، متوجه شدیم قفل در خانه‌مان تخریب شده، اما چیزی سرقت نشده‌است. نگران خانه مادرم شدیم و به سرعت به طبقه اول رفتیم که دیدیم قفل در خانه آنها هم تخریب شده و دست و پای خواهر معلولم با چسب پهن بسته و طلاهایش سرقت شده‌است.

■ **رد پای آشنا**

دختر معلول به مأموران گفت: ساعتی قبل مادرم همراه خواهرم و خواهرزاده‌ام که از شهرستان میهمان ما بودند، از خانه بیرون رفتند. من تنها در حال کتاب خواندن بودم که ناگهان متوجه شدم زن و مرد نقابداری وارد خانه شدند، آنها به سمت من حمله‌ور شدند و مرا به شدت کتک زدند و دست و پایم را بستند و طلاهای گردن و دستم را به زور درآوردند. آنها وقتی در حال جست‌وجوی اموال دیگر بودند که نقاب مرد جوان از صورتش افتاد و در همان لحظه من او را شناختم. مرد سارق پسر مورد علاقه خواهرزاده‌ام بود. من به خواهرزاده‌ام و پسر مورد علاقه‌اش فرشاد مشکوک هستم.

■ **بازداشت متهمان**

بعد از طرح شکایت مأموران پلیس فرشاد و شهین را تحت تعقیب قرار دادند. مأموران ابتدا شهین و سپس فرشاد را بازداشت کردند.

شهین در بازجویی‌ها ادعای بی‌گناهی کرد و گفت در جریان سرقت طلاهای خاله معلولش نیست و روز حادثه همراه مادربزرگ و مادرش بیرون بوده‌است. فرشاد هم در بازجویی‌های ابتدایی منکر سرقت شد، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد، در نهایت صبح دیروز پس از انتقال به دادسرای ویژه سرقت به سرقت طلاهای دختر معلول با همدستی یکی از دوستانش اعتراف کرد.

تحقیقات در حالی از متهمان ادامه دارد که مأموران پلیس در تلاشند همدست وی را بازداشت کنند.

■ **گفت‌وگو با متهم**

**سارق مرد جوانی است که به گفته خودش تا کنون فیلم‌های مستند زیادی ساخته و هیچ سابقه‌ای هم نداشته است.**

**فرشاد به چه جرمی دستگیر شده‌ای؟**

به جرم سرقت مقرون به آزار.

**برای چندمین بار است که دستگیر می‌شوی؟**

هیچ سابقه‌ای ندارم. باورتان نمی‌شود من تا الان به کلانتری هم نرفته‌بودم. می‌خواستم در کارنامه کاری‌ام سابقه درخشان ثبت کنم، اما متأسفانه الان سابقه سرقت و زندان در کارنامه‌ام ثبت شد. هر چه رشته بودم، پنبه شد. من تحصیلکرده‌ام و در رشته کارگردانی مدرک دارم و حدود ۱۳ سال سابقه کاری دارم و تا الان تعداد زیادی فیلم مستند ساخته‌ام و تمامی فیلم‌هایم پخش شده‌اند.

**شما که مستندسازی چه شد که سارق شدی؟**

واقعیتش پول نیاز داشتم. کار جدیدی در دست داشتم و می‌خواستم فیلم مستندی بسازم و وقتی هزینه ساخت آن را برآورد کردم، متوجه شدم برای ساخت آن پول زیادی لازم دارم. همه چیز آماده بود و می‌خواستم با ساخت این فیلم بدرخشم که پول کم آوردم و تصمیم گرفتم برای هزینه ساخت فیلمم سرقت کنم. البته می‌دانم اشتباه کردم و همه زحمت‌هایم را از بین بردم و آبرویم هم به باد رفت.

**چرا از کسی قرض نگرفتی؟**

به تعدادی از دوستان و بستگان رو زدم، اما هیچ‌کدام پولی نداشتند به من قرض بدهند و اسپانسر مالی هم برای ساخت فیلمم پیدا نکردم که تصمیم به سرقت گرفتم.

**چه شد که دختر معلول را برای سرقت طلاهایش انتخاب کردی؟**

او خاله دختر مورد علاقه‌ام بود، در رفت و آمدی که همراه شهین به خانه خاله‌اش داشتم، متوجه شدم او طلای زیادی در دست و گردن داره و از طرفی هم فکر کردم چون معلول است راحت‌تر طلاهایش را سرقت می‌کنم.

**چطوری با شهین آشنا شدی؟**

هنگام ساخت یکی از فیلم‌های مستندم با او آشنا شدم. شهین صنایع‌دستی که خودش می‌ساخت، می‌فروخت و قسمتی از مستند من هم مربوط به صنایع‌دستی بود و همین موضوع باعث آشنایی ما شد.

**چه شد که شهین قبول کرد طلاهای خاله‌اش را سرقت کنید؟**

شهین در سرقت ما هیچ نقشی نداشت. او اصلاً در جریان سرقت نبود و بی‌گناه است.

**شاکی گفته زمان سرقت، همراه شما دختر جوانی بوده‌است؟**

نه همراه من دوستم به نام فرهاد بود.

**چطوری؟**

برای اینکه شناسایی نشود و مأموران را فریب دهیم، مسعود لباس زنانه پوشید.

**روز سرقت شهین هم تهران بوده درست است؟**

بله. من چند روز قبل از اجرای نقشه‌ام به تهران آمدم و با دوستم فرهاد مشورت کردم و از او کمک خواستم. وقتی به فرهاد گفتم برای ساخت فیلم مستندم نیاز به پول دارم و مجبورم سرقت کنم، قبول کرد به من کمک کند. از طرفی هم تلفنی که با شهین صحبت کردم، فهمیدم او هم با مادرش به تهران آمده و میهمان خانه خاله و مادر بزرگش است. روز حادثه با او تلفنی صحبت می‌کردم که گفت همراه مادرش و مادربزرگش می‌خواهند بیرون بروند و خاله معلولش در خانه، تنهاست. فکر کردم بهترین فرصت برای سرقت است. به سرعت همراه فرهاد به در خانه خاله‌اش رفتیم و کشیک دادیم و وقتی آنها از پارکینگ بیرون آمدند، من و دوستم مخفیانه وارد حیاط آنها شدیم و اقدام به سرقت کردیم.

**از خانه خواهر شاکی هم سرقت کردید؟**

نه. بعد از اینکه طلاهای دختر معلول را سرقت کردیم و دست و پایش را بستیم، برای سرقت به طبقه دوم رفتیم و قفل را تخریب کردیم، اما ترسیدیم و منصرف شدیم.

**طلاهای سرقتی را چه کار کردید؟**

پس از سرقت تصمیم گرفتم بفروشم، اما فرهاد ترسید و گفت اگر بفروشیم، دستگیر می‌شویم و او از ترس خداحافظی کرد و رفت. من هم به شهرستان رفتم و طلاها را در قلعه قدیمی که قبلاً فیلم مستندی ساخته بودم، مخفی کردم و آدرس به مأموران پلیس دادم و طلاهای سرقتی کشف شد.

## قاتل پدرزن سه‌باره محاکمه شد

■ جلال مهرگان

**مردی که از شش سال قبل به اتهام قتل پدرزنش در بازداشت به سر می‌برد، برای سومین بار در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.**

جلسه رسیدگی به پرونده در شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد. وقتی قاضی رسمیت جلسه را اعلام کرد، از نماینده دادستان تهران خواست در جایگاه حاضر شود و از کیفرخواست صادر شده دفاع کند. سپس نماینده دادستان خودش را به جایگاه رساند و کیفرخواست را شرح داد. او گفت: مردی که مأموران بدرقه او را از زندان به دادگاه منتقل کرده‌اند، فرخ نام دارد. فرخ متهم است سال ۱۳۹۷ پدرزن ۶۴ ساله‌اش را که پیمان نام داشت، به قتل رسانده‌است. روزی که حادثه اتفاق افتاد، خانواده پیمان به پلیس خبر داده‌بودند او گم شده‌است. آنها برای پیدا کردن پیمان تلاش زیادی کرده‌بودند، اما وقتی نتوانسته‌بودند او را پیدا کنند، از پلیس درخواست کمک کرده‌بودند. همزمان به پلیس خبر رسیده‌بود مأموران جسد مردی میانسال را در حالی که آثار ضرب و جرح روی نقاط مختلف بدنش دیده می‌شد، در بیابان‌های جنوب تهران پیدا و به پزشکی قانونی منتقل کرده‌اند، بنابراین خانواده پیمان به پزشکی قانونی مراجعه و جسد را شناسایی کرده‌بودند. بعد از شناسایی جسد، پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل و تحقیقات برای شناسایی قاتل انجام شد.

نماینده دادستان تهران ادامه داد: وقتی خانواده مقتول مورد تحقیق قرار گرفتند، گفتند که پیمان آخرین بار برای ملاقات با دامادشان فرخ از خانه بیرون رفته‌بود. فرخ و همسرش که پسر دایی و دختر عمه بودند، از مدتی قبل با هم اختلاف داشتند و سر این موضوع با هم مشاجره می‌کردند، به طوری که همسر فرخ مدتی بود به حالت قهر به خانه پدرش رفته بود. روز حادثه فرخ با پدرزنش تماس گرفته و از او خواسته بود حوالی جنوب تهران با هم ملاقات کنند و درباره اختلاف پیش آمده حرف بزنند برای همین فرخ مظنون اصلی پرونده بود.

نماینده دادستان در ادامه گفت: در شاخه دیگری از تحقیقات، مأموران پلیس موفق شدند فرخ را شناسایی و دستگیر کنند. او در اولین بازجویی‌ها به قتل پدرزنش اعتراف کرد و پرونده با کامل شدن تحقیقات در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی و متهم به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد. همسر متهم اما از شوهرش اعلام رضایت کرد. پرونده با اعتراض متهم در دیوان عالی کشور بررسی شد و اعتراض وارد شده مورد پذیرش قرار گرفت، بنابراین با طرح نقص تحقیقات، رأی قصاص نقض و پرونده برای رفع نقص و رسیدگی دوباره به دادگاه ارجاع شد. متهم در دومین دور محاکمه بار دیگر با درخواست قصاص از سوی اولیای دم مواجه شد که قضات دادگاه بار دیگر رأی به قصاص متهم دادند. رأی صادر شده بار دیگر نقض و پرونده برای رسیدگی به شعبه سیزدهم ارجاع شده‌است که برای متهم درخواست صدور مجازات شایسته دارم.

■ **دفاع متهم**

در ادامه اولیای دم به جز همسر مقتول خواسته‌شان را قصاص اعلام کردند. سپس متهم در جایگاه حاضر شد و گفت: مدتی بود با همسرم اختلاف داشتم. وقتی اختلاف ما بالا گرفت، همسرم به حالت قهر به خانه پدرش رفت. او مدتی بود در خانه پدرش بود. روز حادثه با پدرزنم تماس گرفتم و خواستم در این‌باره حرف بزنیم. با هم در بیابان‌های اطراف شهر قرار گذاشتیم و هر دو سر قرار حاضر شدیم. من آن روز مقداری شیشه مصرف کرده و مشروب هم خورده‌بودم. از دوستم خواستم من را سر قرار ببرد که قبول کرد. وقتی رسیدم، پدرزنم آمده‌بود. داشتیم با هم حرف می‌زدیم و گفتم که همسرم دو ماه است به خانه‌ات آمده که عصبانی شد و چند سیلی به گوشم زد. من هم که عصبانی شده‌بودم، با سر به او ضربه زدم که تعادلش را از دست داد و داخل کانال سقوط کرد. شب قبل از حادثه باران باریده‌بود و جایی که قرار گذاشته‌بودیم، خیس بود. تلاش کردم او را بلند کنم و به کنار جاده ببرم، اما نتوانستم. متهم گفت: من با مقتول که شوهر عمه‌ام بود، رفیق بودم و قصد قتل نداشتم و درخواست گذشت دارم.

در ادامه مردی که متهم مدعی بود او را به محل قرار برده به دادگاه احضار شد. مرد جوان گفت: روز حادثه فرخ از من خواست او را به محلی که می‌گفت با پدرزنش قرار دارد، برسانم که قبول کردم. فرخ آن روز هم مشروب مصرف کرده و هم شیشه زده‌بود. من او را به محل رساندم و به دنبال کار خودم رفتم. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه وارد شور شدند.

یادداشت

## ضرورت تقویت خدمات مشاوره‌ای

حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

خدمات مشاوره‌ای، روانشناسی و روانپزشکی یکی از ضرورت‌های اجتماعی است که استفاده از آن سبب افزایش کیفیت زندگی می‌شود. در چند سال اخیر جامعه تحت تأثیر شرایط دشوار اقتصادی و ناپایداری‌هایی که سرانجامی ندارد، قرار گرفته و این مسئله باعث شده بستر اجتماعی به معضلات بسیاری مبتلا شود و خشونت آن به جامعه سرایت کند. در واقع حال عمومی مردم اصلاً خوب نیست و تلاشی هم برای تغییر وضعیت موجود از تغییر حال بد به حال خوب نمی‌شود. همانطور که شاهد هستیم، عملکرد دولت و مجلس تأثیری روی بهتر شدن وضع موجود ندارد. دولتمردان همچنان با بحث فیلترینگ مردم را سرگرم و برای فراهم کردن زمینه‌های گرانی بنزین هر روز با قیمت آن بازی می‌کنند، در حالی که اولویت‌های اجتماعی اساساً جای دیگری است. همانگونه که در حوزه آسیب‌ها شاهد هستیم، بسترهای بروز خشونت بیش از هر زمان دیگری فراهم شده و در موارد بسیاری شاهد هستیم که پرخاشگری‌ها به راحتی به خشونت تبدیل می‌شود. این موضوع در مورد خشونت‌های خانگی به اعتیاد، قهر، طلاق، ضرب و جرح و در مواردی هم به قتل یکی از اعضای خانواده منجر می‌شود. در بستر اجتماعی هم زمینه‌های تقویت خشونت با افزایش جرائم و آسیب‌های اجتماعی بروز پیدا کرده است. در واقع هرچه با همین فرمان جلوتر می‌رویم، آستانه تحمل اجتماعی هم بیشتر فروکش می‌کند، از همین‌روست که رانندگان به عابران پیاده اجازه تردد از گذرگاه‌های عابرپیاده را نمی‌دهند و هر طور که شده و به قیمت اینکه بخواهند به رهگذر آسیب برسانند می‌خواهند به مسیرشان ادامه دهند. اینکه آمار قربانیان سوانح رانندگی مدام بالا می‌رود و آمار صدور جرایم رانندگی سر به فلک می‌گذارد، ریشه در ناآرام بودن روان‌ها دارد. روان‌هایی که هنگام قرار گرفتن در موقعیت مشخص، گذشت نسبت به همنوع و احترام به قانون را زیر پا می‌گذارند و به خود و دیگران آسیب می‌رسانند. تجربه بررسی خبرهایی که منجر به قتل می‌شود، نشان می‌دهد عمده افرادی که جان یا مالشان را در مواقع پرخطر از دست می‌دهند یا جان و مال دیگران را به خطر می‌اندازند، قدرت مدیریت بحران را ندارند. در وضعیت موجود امکان افزایش توانمندی‌های اجتماعی به واسطه فراگیر بودن امکانات و استفاده از مهارت‌های زندگی فراهم شده است. این روزها همه مردم امکان دسترسی به فضای مجازی را دارند، بنابراین دسترسی به محتواهای روانشناسی یا مشاوره‌ای مستند به راحتی امکانپذیر است. در حال حاضر بسیاری از مدارس به دانش‌آموزان خدمات مشاوره‌ای ارائه می‌دهند. این دسته از مدارس با شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر به آنها یا خانواده‌هایشان مهارت‌های لازم را آموزش می‌دهند. روشن است اگر سازمان‌ها، ادارات یا کارخانه‌ها هم با دایر کردن واحدهای مشاوره به کارکنان خود خدمات ارائه دهند و غربالگری‌های لازم انجام شود، می‌توانند در سلامت بهتر جامعه سهیم باشند. آنگونه که شاهد هستیم جامعه هنوز مقابل دریافت خدمات روانشناسی و روانپزشکی مقاومت می‌کند. بنابراین با ترویج استفاده از این دست خدمات باید در پویایی جامعه، حتی در مواقع دشوار سهیم بود.

## بازداشت سارق طلا هنگام پیاده‌روی

**سارق حرفه‌ای که با حضور در طلافروشی‌ها به شیوه کش‌روی اقدام به سرقت طلا می‌کرد، هنگام پیاده‌روی در خیابان ناصرخسرو بازداشت شد.**

سرهنگ حسین مافی، سرکلانتر هفتم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: چند روز قبل مردی وارد کلانتری ۱۱۳ بازار شد و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. شاکی گفت: من صاحب طلافروشی در همین حوالی هستم. ساعتی قبل یک نفر برای خرید طلا وارد شد و چند سرویس طلا به او نشان دادم، اما بدون اینکه خرید کند از مغازه بیرون رفت. وقتی داشتم سرویس‌های طلا را سر جایش می‌گذاشتم، فهمیدم مقداری از طلاها سرقت شده‌است. احتمال می‌دهم سرقت از سوی همان مرد رقم خورده باشد. بعد از مطرح‌شدن شکایت مأموران پلیس با حضور در مغازه و بررسی دوربین‌های مداربسته متوجه شدند که متهم در فرصت مناسب و در یک لحظه که حواس طلافروش پرت شده‌بود، چند قطعه طلا را سرقت کرده‌است. بعد از آن بود که مشخصات متهم در اختیار مأموران گشت پلیس قرار گرفت. ساعتی بعد از حادثه، مأموران در حال گشت‌زنی در خیابان ناصرخسرو بودند که متوجه شدند متهم در حال پیاده‌روی است که برای بازداشت او وارد عمل شدند.

متهم که متوجه حضور پلیس شده‌بود، از محل فرار کرد، اما مأموران او را بازداشت و در بازرسی از وی ۸۰ گرم طلا و سه عدد سکه طلا به ارزش تقریبی ۴۵۰ میلیون تومان کشف کردند. متهم در بازجویی‌ها گفت که طلاهای سرقت شده را به یک مالخر می‌فروشد که تحقیقات برای بازداشت مالخر و کشف جرائم بیشتر متهم جریان دارد.


امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۵

بدین وسیله به اطلاع می‌رساند انتشارات نادعلی به مدیرمسئولی صغرا کاکویی و به کد ملی ۲۱۶۱۴۵۸۷۷۹ که با شماره پروانه ۶۴۳۶ به ثبت رسیده است، به "نآد (نوید آرمان دانش)" تغییر نام داده شد.

**آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۳۶۵۴ ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰ تاریخ ۱۴۰۳/۷/۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۱۰۸ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای عبدالرحیم انا مرادی فرزند اتابای به شماره شناسنامه ۳ مدملی ۴۹۷۹۷۸۹۵۶۰ صادره از آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۹۳۶ مترمربع مفروز ومجزی شده جزیی از پلاک ثبتی شماره ۱ اصلی واقع در اراضی قریه انبار الوم بخش ۱۳ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی متقاضی و آقای عبدالرشید انا مرادی از اسناد انتقال شماره ۲۸۴۰۵ مورخه ۱۳۷۱/۵/۳۱ و ۳۲۰۲۶ مورخه ۱۳۷۴/۳/۲۰ دفترخانه ۲۱ تایید گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نماید بدیهی است، درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۹/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۹/۲۸
مهناز جهانفر
رییس اداره ثبت اسناد واملاک آق قلا

**آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی**

برابررای شماره ۴۰۳۹ ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰ تاریخ ۱۴۰۳/۷/۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۴۲۱ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای قربان محمد سقر فرزند انه به شماره شناسنامه ۱۷۲ کدملی ۴۹۷۹۶۲۵۱۹۳ صادره آق قلا درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۰۰۰ مترمربع مفروز ومجزی شده جزیی از پلاک ثبتی شماره ۱۸۲ فرعی از ۴ اصلی واقع دراراضی قریه مرتع شوره زاربخش ۷ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی آقای نظر محمد تنها از سند مالکیت به شماره چاپی ۶۵۷۰۲۷ تایید گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که شخاصی که نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نماید، بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۹/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۹/۲۸
مهناز جهانفر
رییس اداره ثبت اسناد واملاک آق قلا

**آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف**

برابر آراء صادرهیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸ ۰۰۰۰۴۲۱ و۰۰۰۰۴۲۲ تقاضای ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۴۲۲ تقاضای ۱-آقای عیسی کده ائی به شماره شناسنامه ۱۴۰۳۸ وکدملی ۲۲۴۸۵۶۵۴۰ صادره از کردکوی فرزند قاسم در ۲,۲۶ دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین که دران احداث بنا شده است ۲-آقای محمد علی کده ائی به شماره شناسنامه ۱۴۰۳۷ وکد ملی ۲۲۴۸۵۶۰۵۳۲ صادره از کردکوی فرزندقاسم در ۳,۷۴ دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است، به مساحت کل عرصه ۴۴۳,۴۵ مترمربع از پلاک شماره ۲۱۸ فرعی از ۱۵۰ اصلی واقع دراراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال ازمالک رسمی به متقاضی دارد، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله پانزده آگهی می شود، ازاین رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.

شناسه آگهی: ۱۸۳۸۸۳۶

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۹/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۹/۲۸
مهدی شاه مهری
سرپرست اداره ثبت اسناد واملاک منطقه یک گرگان